

# ظن و تجسس

## از منظر قرآن و روایات

محمد حسن صرام مفروز، گروه معارف دانشگاه صنعتی اصفهان

چکیده:

اعمال انسانی عبارت از حرکات و سکناتی که بر حسب اراده‌ی انسان عاقل از او سر می‌زند مداومت بر اعمال نیک و مکرمت‌های حمیده سبب پیدایش صفات و فضائل حمیده و حسنه می‌گردد و تکرار و پیگیری عادات و کردار زشت زمینه‌ساز پیدایش صفات بد و رذیله خواهد بود. اگر روانکاوان دینی و علمای اخلاق در کتاب‌های مربوطه صحبت از فضائل و مکرمت‌های اخلاقی و یا تهذیب و تزکیه انسان از اعمال بد و اخلاق رذیله داشته‌اند تأکید بر همین موضوع بوده است. کسانی که در پرتو انس با قرآن کریم و در جستجوی کمالات معنوی و سعادت‌مندی ابدی و تحصیل سلامت و آرامش روح و روان و فراهم آوردن بهداشت روحی و روانی و جسمی هستند به صورت اجمال بر این موضوع آگاهی یافته‌اند که یکی از گناهان کبیره و رذائل اخلاقی که مداومت و تکرار آن سلامت جسمی و روحی و آرامش و امنیت انسان را سلب و راه صعود به کمالات معنوی و قرب الی الله را مسدود و زمینه‌های آلودگی روح و روان و سقوط انسان را رقم می‌زند ظن و گمان بد است. در این مقاله در پی طرح آیه‌ی غیبت به بررسی و تبیین انواع سوءظن از منظر قرآن کریم و احادیث پرداخته‌ایم.

کلیدواژه: طرح آیه‌ی غیبت، مفهوم قرآنی ظن، کثیرالظن، انواع ظن

طرح آیه‌ی غیبت:

در قرآن کریم آیاتی، هرچند معدود، درباره‌ی غیبت مطرح است که مفسران عالیقدر پیرامون آن به تفصیل بحث کرده‌اند. بیشترین این مباحث حول آیه ۱۲ سوره حجرات مطرح شده است. زیرا در حقیقت آن تنها آیه‌ی قرآن مجید است که به صراحت تمام درباره‌ی غیبت نازل گردیده، و به همین جهت نیز به آیه « غیبت » مشهور است.

خداوند (تبارک و تعالی) می‌فرماید:

« يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ. إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا. يَبْغِ أَحَدِكُمْ إِلَىٰ بَأْسِكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ. إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ. » ای مؤمنان از بسیاری از گناهان پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است، و در کار دیگران تجسس مکنید؛ و بعضی از شما از بعضی

«يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيراً من الظن، ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا يغتب بعضكم بعضاً ايحب احدكم ان ياكل لحم اخيه ميتاً فكرهتموه واتقوا ان الله تواب رحيم» «ای مؤمنان از بسیاری از گناهان پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است، و در کار دیگران تجسس نکنید؛ و بعضی از شما از بعضی دیگر غیبت نکنند؛ آیا هیچ کدام از شما خوش دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد، که از آن تنفر دارید؛ و از خداوند پروا کنید که بیگمان خداوند توبه پذیر مهربان است.»

### مطالبی پیرامون ظن و تجسس در آیه‌ی غیبت:

«یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن، ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا» و در آن چند نکته است:

#### ۱. مراد از «ظن» در آیه:

مراد از «ظن» در آیه شریفه، ظن سوء است. بدلیل آنکه حس ظن به دیگران نیک و در شرع مقدس اسلام به آن توصیه گردیده است. از جمله در قضیه افک در آیه ۱۲ سوره نور می‌فرماید: «لو لا اذ سمعتمو ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیرا قالوا هذا افک مبین» چرا مردان و زنان مؤمن وقتی آن را شنیدند به یکدیگر حسن ظن نورزیده و نگفتند این تهمت است آشکار در این نوشتار در بحث «انواع ظن» به این مطلب بیشتر پرداخته خواهد شد.

#### ۲. مفهوم «اجتنبوا» در آیه

مراد از نهی «اجتنبوا» در این آیه، نهی از خود ظن نیست، بلکه نهی از پاره‌ای مقدمت اختیاری است که موجب سوء ظن می‌شود و همچنین نهی از پذیرفتن و ترتیب اثر دادن و عملی کردن همان سوء ظن است. علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌نویسد:

«مراد باجتناب از ظن، اجتناب از خود ظن نیست، چون ظن خود نوعی ادراک نفسانی است، و در دل باز است، ناگهان ظنی در آن وارد می‌شود و آدمی نمی‌تواند برای نفس و دل خود دری بسازد تا از وزود ظنید جلوگیری کند، پس نهی کردن از خود ظن صحیح نیست، بلکه مگر آنکه از پاره‌ای مقدمات اختیاری آن نهی کنند. پس منظور از آیه مورد بحث نهی از پذیرفتن ظن بد است، می‌خواهد بفرماید: اگر درباره ی کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و ترتیب اثر به آن مده.»<sup>۲</sup>

#### ۳. مراد از «کثیراً من الظن» در آیه مذکور

در بیان مراد از عبارت مذکور دو مطلب مطرح است:

الف: منظور آن است که سوء ظن فی نفسه در بین مرد زیاد پدید می‌آید، نه اینکه در مقایسه با سایر افراد ظن، یعنی هر چند ظن های سوء جزئی از ظن‌هاست که برخی نیک و برخی مباح و برخی بد هستند، اما این نوع ظن خود بخود زیاد وجود دارد.

ب: مراد اجتناب از بسیاری از گمان‌هاست چه نیک و چه بد. یعنی اینکه از خیلی گمان‌ها چه آنها که می‌دانید گناه است و چه آنها که می‌دانید گناه است، دوری کنید مبادا که به ظن‌هایی که گناه است دچار شوید.

در این صورت امر به اجتناب از «کثیراً من الظن» امری احتیاطی خواهد بود.<sup>۲</sup>

ملاحسن فیض در این زمینه می‌گوید:

«و ابهام الكثير لاحتاط فی کل ظن و يتأمل حتی أنه من ای القبیل»: نکره بودن «کثیراً» برای آن است که انسان در هر ظنی احتیاط کند و درنگ نموده‌اند یشه نماید تا دریابد که آن ظن از کدام نوع است (از ظن‌های نیک است یا بد)

### انواع ظن

همانگونه که ملاحظه کردید آیه شریفه متضمن نهی از بسیاری از ظن‌ها و گمان‌ها بود و بیان شد که مراد از این ظن‌ها در آیه مذکور همان گمان‌های بد است و در شرع مقدس اسلام ظن‌های خوب نه تنها مذموم بلکه ممدوح نیز هستند. به همین مناسبت لازم است مطالبی درباره انواع گمان‌ها آورده شود. دو اینجا دو دیدگاه درباره انواع ظن‌ها آورده می‌شود:

دیدگاه اول: (انواع ظن از نظر علامه آلوسی)

«الف - ظن نیک: مانند حسن ظن به خداوند، همانگونه که در حدیث آمده است:

حسن ظن از ایمان است.

ب - ظن حرام: مانند ظن در مورد وجود خدا، ذات و صفات و کمالات لایق او و در مورد پیامبری پیامبران، مثلاً اگر کسی بگوید به تمامی پیامبران ایمان آورده‌ام ولی نمی‌دانم حضرت آدم پیامبر بود یا نه، (اگر از روی قطع و جزم بگوید) کافر شده است.

و از انواع ظن حرام، سوء ظن به ایمان آورندگان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و وارثان اکمل اوست که همان علماء به خداوند تعالی‌اند در قرآن مجید، خداوند متعال فرموده است: «و ظننم ظن السوء و کنتم قوما بورا؛<sup>۵</sup> و بدانندیشی کردید و قومی ورشکسته شدید.»

صائب تبری‌زی گفته است:

بدگمانی لازم بدباطنان افتاده است گوشه از خلق جا کردم کمین پنداشتند<sup>۶</sup>

ج - ظن مباح: مانند ظن و گمان در امور زندگی و مهمات معاش، و در این صورت بدگمانی موجب سلامت و انتظام امور مهم است و آن را از قبیل حزم شمرده‌اند، چنانچه گفته‌اند:

بد نفس مباح و بدگمان مباح و زفتنه و مکر در امان مباح<sup>۷</sup>

دیدگاه دوم: (انواع ظن با مقیاسی قرار دادن مضمون)

#### الف. ظن به خداوند:

در دین مقدس اسلام همواره به انسان مؤمن توصیه می‌شود که نسبت به پروردگار خود حسن ظن داشته و به او امیدوار باشد و هیچگاه از رحمت خداوند مأیوس نگردد.

در مورد حسن ظن به خداوند روایات و احادیث فراوانی وجود دارد از جمله از امام باقر ع از قول رسول ص: روایت شده است که خداوند متعال می‌فرماید: «لا یتکل العاملون لی علی اعمالهم التي یعملونها لتوایی فانهم لو اجتهدوا و اتعبوا أنفسهم أعمارهم فی عبادتی كانوا مقصرین غیر بالغین فی عبادتهم کنه عبادتی... الی قوله: و لکنی برحمتی فلیتقوا و فضلی فلیرجوا و الی حسن الظن بی فلیطمأنوا؛<sup>۸</sup> «نباستی عمل کنندگان برای من بر اعمالشان که برای رسیدن به پاداش من انجام می‌دهند، تکیه و اعتماد کنند، زیرا اگر به تمام توان تلاش نمایند و تمامی طول عمرشان، خود را در عبادت من به مشقت بیاندازند،

باز هم مقصر و کوتاهی کننده بوده و در عبادتشان به کثرت عبادت من نمی‌رسند. (تا آنجا که می‌فرماید: و لکن باید (تنها) به رحمت من اطمینان داشته و به فضل من امیدوار بوده و به حسن ظن به من آرامش داشته باشند.)»

و در روایت است که بنده‌ای نیست که چیزی بهتر از حسن خلق و حسن ظن به خداوند به او عطا شده باشد. و اینکه انسان باید به خداوند حسن ظن داشته باشد زیرا خداوند در روز قیامت براساس حسن ظن بندگانش به او با آنها معامله می‌نماید.

در آیات قرآن نیز بر حسن ظن به خدا و امیدواری به رحمت الهی بسیار تأکید شده است. چنانچه در سوره زمر می‌فرماید: «قل یا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله، ان الله يغفر الذنوب جميعا، انه هو الغفور الرحيم»<sup>۹</sup> بگو ای بندگانش که زیاده بر خویشتن ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی نومید مباشید، چرا که خداوند همه گناهان را می‌بخشد، که او آمرزگار مهربان است»

نَبِ ظَنِّي بِه بِنْدَتَانِی خُدَا:

انسان مؤمن باید نسبت به دیگران حسن ظن داشته در روابط خود با دیگران اصل را بر درستی و راستی افراد جامعه بگذارد تا در سایه آن بتواند در تعامل با ایشان، هم فردی مفید بوده و هم از وجود ایشان منتفع گردد.

حضرت علی ع در این رابطه می‌فرماید:

ضع امر اخیک علی أحسنه حتی یأتیک ما یغلبک منه و لا تظنن بکلمة خرجت من اخیک سوء و أنت تجد لها فی الخیر محملا:<sup>۱۰</sup> اعمال برادرت را بر بهترین وجه (ممکن) حمل کن مگر آنکه حجت و دلیلی برای تو پیدا شود که راه توجیه را بر تو ببندد، و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده است، در صورتی که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی گمان بد مبر»

علامه مجلسی (ره) در شرح این کلام مولا علی(ع) می‌نویسد:

«مقصود این است که آنچه از گفتار یا کردار از برادرت صادر می‌گردد را بر بهترین آنچه احتمال آن می‌رود حمل نمایی و اگر چه (احتمال صحت) مرجوح و ضعیف باشد، و نبایستی تجسس کنی، تا وقتی که امری از او به تو برسد که تأویل و توجیه آن (به نیکی و خوبی) برای تو ممکن نباشد، و این به خاطر آن است که ظن و گمان چه بسا که به خطا رود، و از تجسس کردن نیز نهی شده است.»<sup>۱۱</sup>

بر همین اساس است که علمای اسلام در علم اصول فقه معیار و مبنا را بر اصل سحت (اصالة الصحة) نهاده‌اند و این اصل در تمامی امور اجتماعی و قراردادهای افراد آن معتبر و جاری است، و در صورتی که به آن عمل نشود کلیه امور اجتماع متزلزل و مختل خواهد شد.

«در کتاب شریف مصباح الشریعه آمده است: حسن ظن از ایمان انسان و سلامت روحش ناشی می‌شود و از نشانه‌های پاکی روح آن است که انسان هر چه را که می‌بیند با خوبی و فضیلت می‌نگرد. رسول خدا (ص) فرمود: گمان خود را نسبت به برادران دینی خوب کنید که بدین وسیله به صفا و طهارت طبع می‌رسید.»<sup>۱۲</sup> در روایات و اخبار پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت (صلوات الله علیهم اجمعین) احادیث فراوانی در مدح حسن ظن و تقبیح سوءظن در کتب حدیثی ثبت و ضبط گردیده است. از جمله امام جعفر صادق ع از پدر بزرگوارشان نقل کرده است ایشان فرمودند:

«یاکم و الظن فان الظن اکذب الکذب و کونوا اخواتا فی الله کما امرکم الله:»<sup>۱۳</sup> شما از ظن و گمان (بد)

برحذر می‌دارم زیرا که ظن دروغ‌ترین دروغه‌است و با یکدیگر در (راه) خدا برادر باشید همانگونه که خداوند شما را امر نموده است.»

حضرت علی ع در مورد سوءظن می‌فرماید:

«سوء ظن بالمحسن شر الاثم و اقیح الظلم: بدگمانی نسبت به انسان نیکوکار (و بی گناه) بدترین گناه و زشت‌ترین ستم است.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«اطرحوا سوء الظن بینکم فان الله عزوجل نهی عن ذلك: از بین خودتان سوء ظن را به دور افکنید، زیرا خداوند عزوجل از آن نهی نموده است»

والسّلام

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۲. علامه محمد حسن طباطبایی، پیشین/ج ۱۸، ص ۳۲۳.

۳. همان، ص ۳۲۳.

۴. فیض کاشانی، تفسیر الصافی و پیشین/ ج ۵ ص ۵۲.

۵. سوره فتح، آیه ۱۲.

۶. میرزا محمدعلی صاحب تبریزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، انتشارات دانشگاه، ص ۱۲۵.

۷. اسماعیل حقی البروسوی، تفسیر روح البیان، ج ۹، استانبول، مکتبه الاسلامیه، ص ۸۴.

۸. الشیخ عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۵، قم مطبعة الحکمة، ص ۹۰.

۹. سوره زمر، آیه ۵۲.

۱۰. الشیخ علی الحویزی، پیشین/ ص ۹۰ و سید محمدرضا مهدوی کنی، پیشین/ ص ۱۶۹.

۱۱. سید محمدرضا مهدوی کنی، پیشین/ ص ۱۶۹ به نقل از محمدباقر مجلسی، مرآة العقول.

۱۲. همان/ ص ۱۷۰.

۱۳. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۷۵ ص ۲۵۲.

۱۴. محمدباقر مجلسی، پیشین/ ج ۷۲، ص ۱۹۴ و سید محمدرضا مهدوی